

جلسه هشتم: شاخه های حقوق عمومی

۲. حقوق اداری

حقوق اداری یکی دیگر از شاخه‌های مهم حقوق عمومی است که قواعد حاکم بر اداره کشور و تشکیلات اداری، روابط سازمانهای اداری با هم، با مستخدمان ادارات و با مردم و نیز خدمات عمومی را دربرمی‌گیرد و به عبارت دیگر قواعدی است که حقوق و تکالیف سازمانهای اداری را معین و روابط آنها را با مردم تنظیم می‌کند.

برخلاف حقوق اساسی، حقوق اداری شامل فعالیت‌های سیاسی، قضائی و قانون‌گذاری نهادهای حکومتی نیست. صبغه حقوق اساسی بیشتر سیاسی و صبغه حقوق اداری، صرفاً اداری است. یکی از محورهای مهم حقوق اساسی در راستای صبغه سیاسی اش، ساختار حکومت است در حالی که حقوق اداری به ساختار جز در یک مورد که سیستم اداری کشور است، کاری ندارد. تامین منافع عمومی و ارائه خدمات عمومی، دو کارکرد مهم حقوق اداری است.

۱-۲. سلسله مراتب اداری

وجود سلسله مراتب اداری ضامن تفوق مقام‌های سیاسی بر اداره یا قوه مجریه است که در رأس آن رئیس دولت و هیئت دولت قرار دارند. ساماندهی تشکیلات ادارات و سازمان‌های اداری، وضع آیین نامه‌ها و مقررات و نیز دادن لایحه به قوه مقننه، از جمله اختیارات رئیس قوه مجریه برای هدایت سازمان‌های اداری و اجرایی کشور است. مستخدمان اداری تنها در چهارچوب قوانین می‌توانند تصمیم بگیرند و آن را به اجرا بگذارند. هرچه این صلاحیت‌ها و مسئولیت‌ها روشن‌تر و دقیق‌تر باشد، آزادی عمل و کارایی آنان بیش‌تر است.

۲-۲. حقوق و تکالیف مستخدمان

یکی از مباحث مهم حقوق اداری، حقوق استخدامی است که شامل تعریف مستخدم، انواع مستخدمان دولت، طبقه‌بندی مشاغل و حالات استخدامی (خدمت قراردادی، خدمت پیمانی، خدمت رسمی (آزمایشی، قطعی)، ازکار افتادگی، بازنشستگی و ...) و مزایای مستخدمان است.

۳-۲. سیستم تمرکز و عدم تمرکز اداری

به لحاظ اداری در کشورهای بسیط و تک بافت (نه کشورهای فدرال) دو گونه سیستم برای اداره کشور وجود دارد که عبارت است از تمرکز (Centralization) و عدم تمرکز (Decentralization).

تمرکز اداری روشی است که همه تصمیمات توسط دولت و مقامات مرکزی گرفته می شود. با توجه به گسترش فعالیتها دولت و نیز دایره جغرافیایی دولتها امروزه در کشورهای غیر فدرال معمولاً نوعی از تمرکز وجود دارد که به آن عدم تراکم می گویند. مطابق این سیستم برخی سازمانهای وابسته به حکومت مرکزی در نقاط غیر از مرکز وجود دارند (مانند استانداری ها، فرمانداریها، بخشداریها و دهرداریها) و ارتباط آنها با دولت مرکزی به صورت سلسله مراتبی است.

عدم تمرکز اداری روشی است که در آن امور کشور به دو دسته امور ملی و امور محلی تقسیم می شود و صلاحیت تصمیم گیری درباره امور محلی به مقاماتی که تقریباً مستقل از دولت مرکزی هستند و توسط مردم شهر انتخاب می شوند واگذار می شود. انتخاب شهرداران و شوراهای شهر، بیانگر سیستم عدم تمرکز اداری است. در این نوع از عدم تمرکز صلاحیت اتخاذ تصمیمات لازم الاجرا برای اداره امور به اهالی یک شهر یا روستا داده می شود.

۲-۴. دیوان عدالت اداری

در برخی کشورها دادگاههایی وجود دارند که دادگاه های اداری یا اختصاصی نامیده می شوند. این دادگاه در جمهوری اسلامی ایران، دیوان عدالت اداری است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تأسیس شده و ضامن حقوق اشخاص در برابر تجاوز قوه مجریه و ادارات دولتی است و آرای آن از منابع مهم حقوق اداری به شمار می رود.

۳. حقوق مالی

حقوق مالی، مجموعه قواعد مربوط به بودجه عمومی (راههای درآمد دولت و موارد هزینه آنها)، وضع مالیاتها و عوارض و وظایف دیوان محاسبات است.

در ارتباط با بودجه دو تعبیر «تصویب بودجه» و «تفریغ بودجه» به چشم می خورد. بودجه سالیانه کشور توسط دولت تهیه و تقدیم مجلس می شود و تصویب آن توسط مجلس صورت می گیرد. تفریغ بودجه نیز توسط دیوان محاسبات کشور که به منزله دادگاهی مالی است، صورت می گیرد. این دیوان به موجب اصل پنجاه و چهارم قانون اساسی مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می باشد. مطابق اصل پنجاه و پنجم «دیوان محاسبات به کلیه حساب های وزارتخانه ها، مؤسسات، شرکت های دولتی و سایر دستگاه هایی که به نحوی

از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود».

به لحاظ تاریخی دیوان محاسبات کشور طبق اصول ۱۰۱ تا ۱۰۳ قانون اساسی مشروطه و متمم آن در سال‌های ۱۲۵۸ و ۱۲۸۶ هجری شمسی موجودیت پیدا کرد و قانون آن در دوره دوم ۲۳ صفر ۱۳۲۹ بتصویب رسید.

۴. حقوق کار

حقوق کار، عبارت است از مجموعه قوانین حاکم بر روابط کارگر و کارفرما. حقوق کار ریشه در حقوق خصوصی دارد و دخالت دولت آن را زیر مجموعه حقوق عمومی قرارداد است. امروزه برخلاف دستمزد کارگران که بر اساس عقد اجاره در قانون مدنی آمده و جنبه خصوصی داشت و تعیین آن به تراضی میان کارگر و کارفرما مربوط می‌شد، تعیین دستمزد و بسیاری از امور دیگر با نظارت دولت صورت می‌گیرد. با انتقال روابط کارگر و کارفرما از حقوق خصوصی به حقوق عمومی، اموری چون ساعات کار، حد اقل دستمزد، میزان مرخصی و تعطیلات و همچنین بیمه کارگر همه از سوی دولت تعیین می‌شود و جزو قواعد امری است به گونه‌ای که هیچیک از کارگر و کارفرما به عنوان طرفین رابطه حقوقی، نمی‌توانند توافق بر خلاف آن داشته باشند.

۵. حقوق کیفری

حقوق کیفری (جزا و جرم‌شناسی) یکی از شاخه‌های حقوق عمومی است که قواعد کلی ناظر بر جنبه‌های ماهوی و شکلی انواع جرائم و تعیین و چگونگی مجازات آنها است. از آن جا که جرایم علاوه بر بعد خصوصی که مربوط به مجنی علیه است، بعد عمومی دارند که مربوط به دولت به نمایندگی از جامعه می‌شود، حقوق کیفری زیر مجموعه حقوق عمومی قرار گرفته است.

۶. آیین دادرسی مدنی و کیفری

آئین دادرسی مجموعه ای از قواعد و ضوابط شکلی مربوط به طرح دعوا در محاکم و تشریفات دادرسی است. از آن جا که طبیعت این امور با حقوق عمومی سازگارتر است این بخش را جزء حقوق عمومی می دانند.